



DORRNAME

8

RATED T TEEN
DCCOMICS.COM



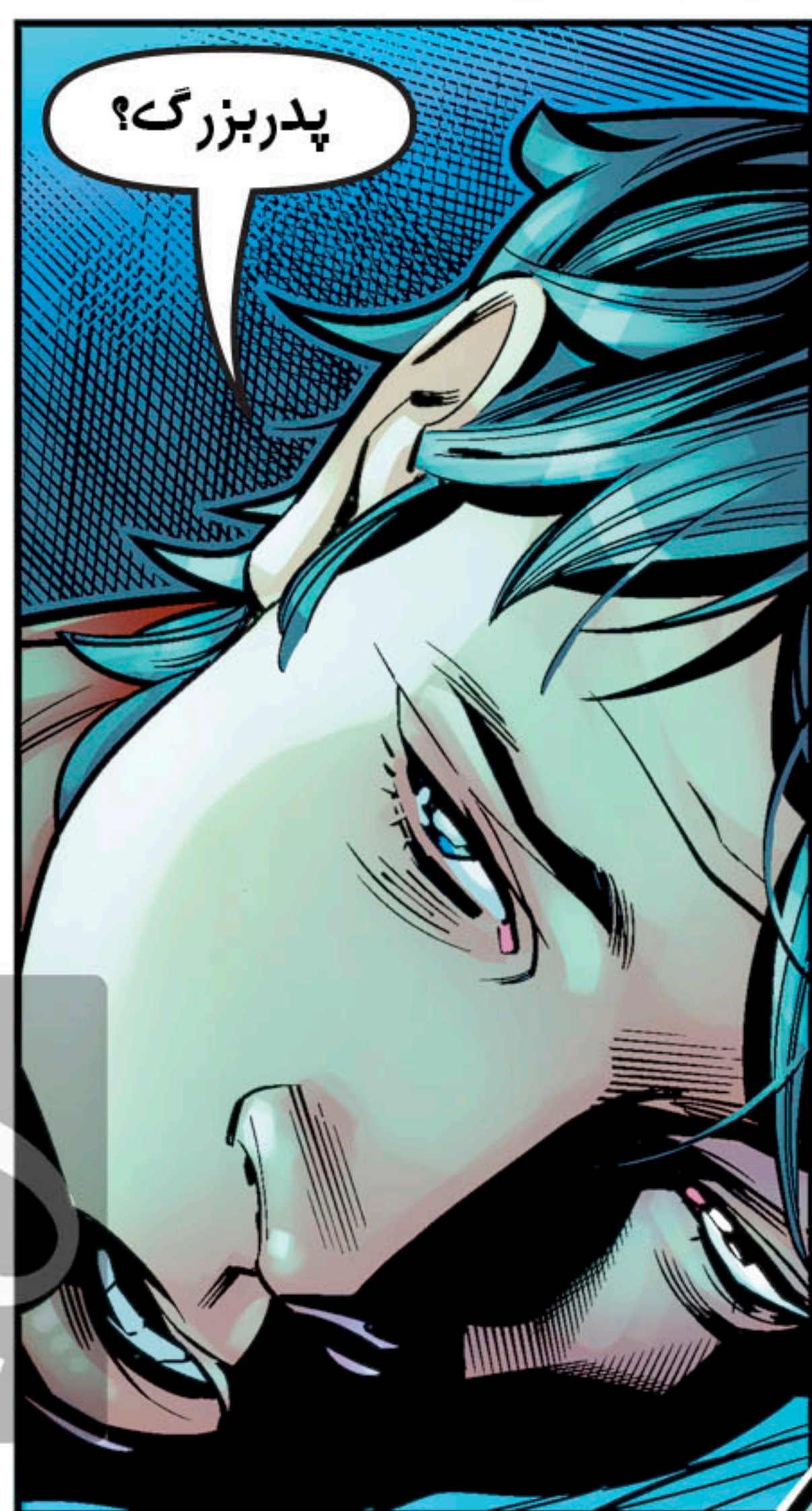
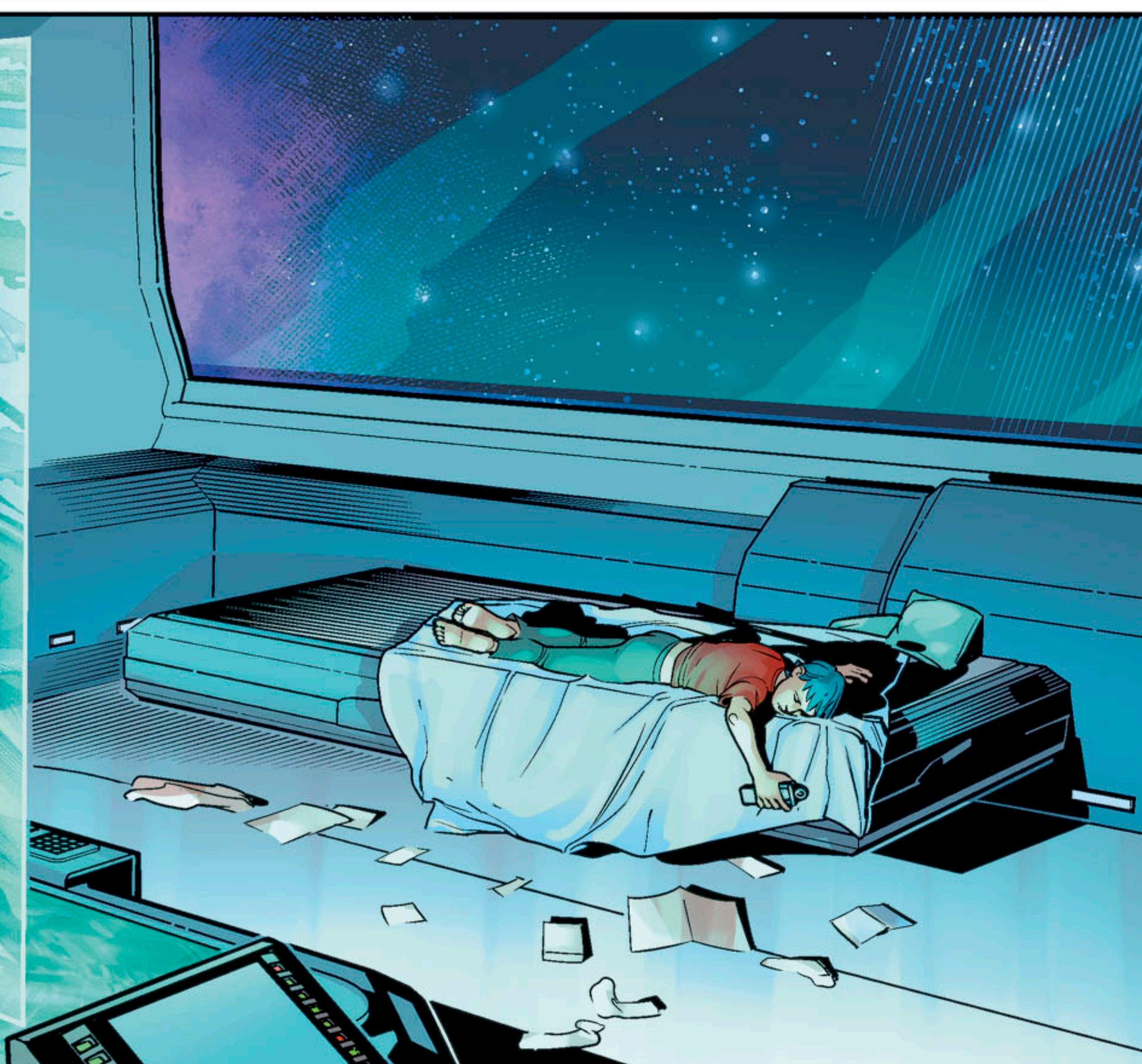
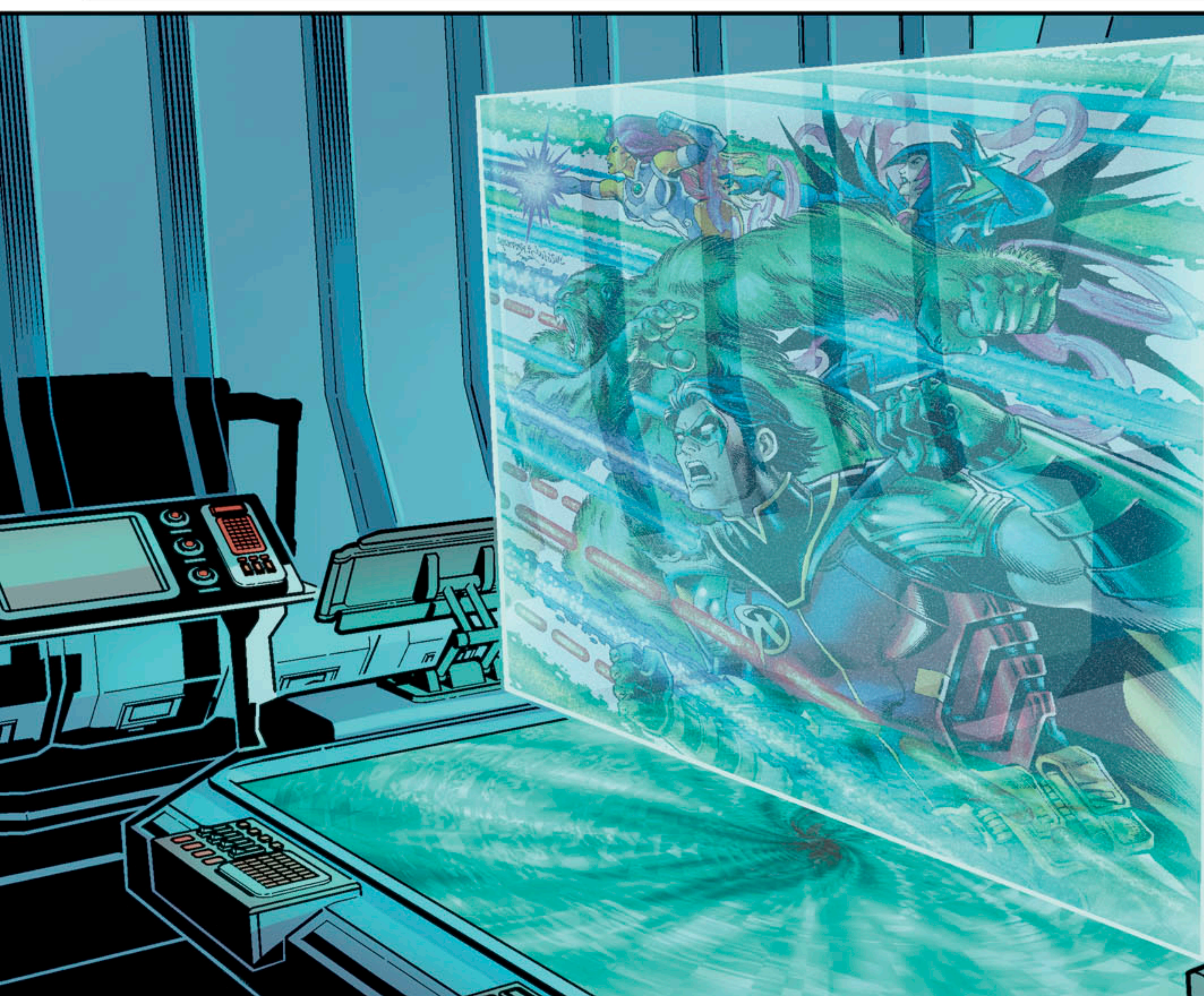
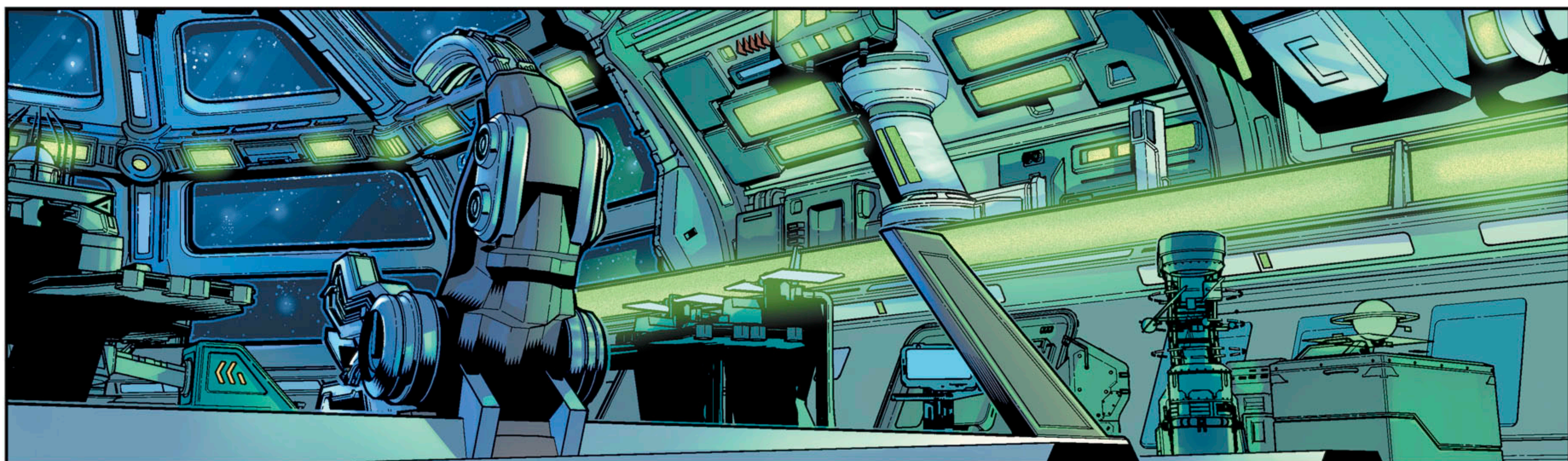
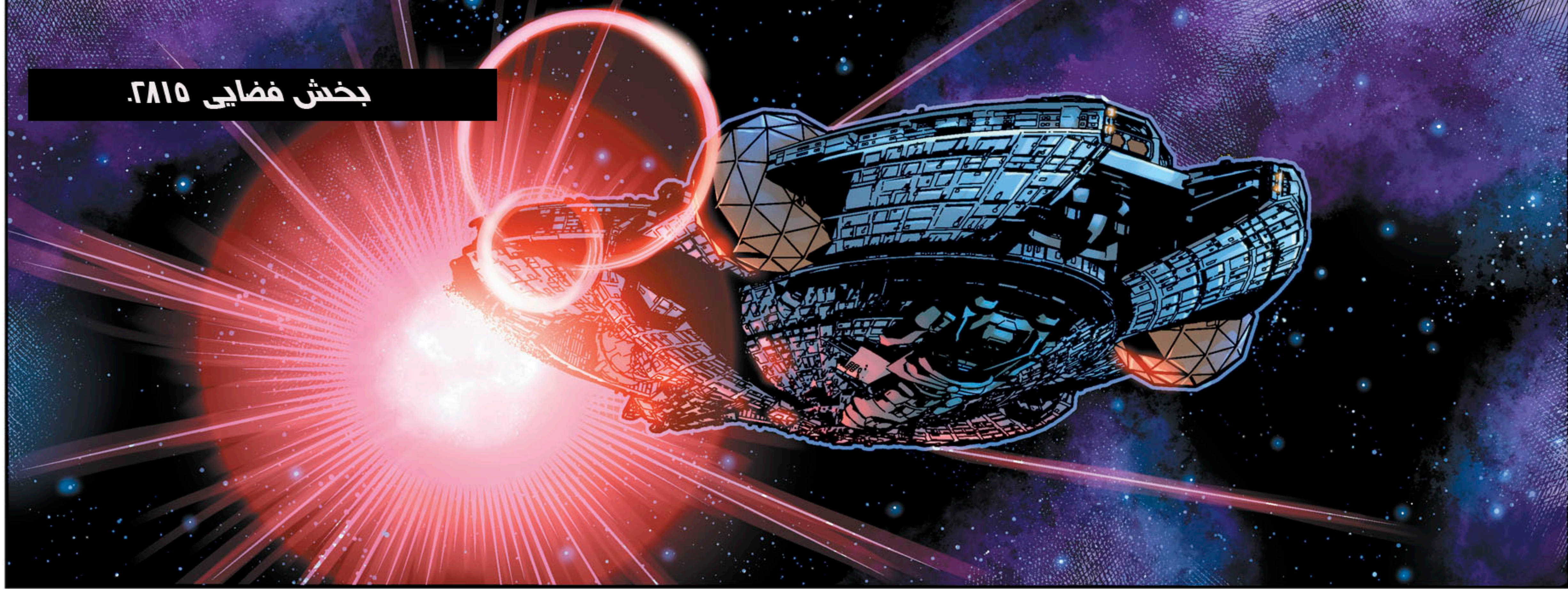
SUPERMAN™

**JON KENT
RETURNS!**



DAVAND
BENDIS
REIS
PETERSON
PRADO
SINCLAIR

THE SON OF STEEL UNLEASHED!



چرا قبول کردی با من به این مسافرت بیایی جان؟

شما پیشنهاد کردی؟

می دونم.

تو چرا قبول کردی؟



این چیزیه
که به پدر و مادرت
گفتی...

چی...
باعث شد
بیایی
اینجا؟



شما گفتی
من باید پیام
اینجا... و مسائل رو از
زاویه دیگه ای تجربه
کنم...

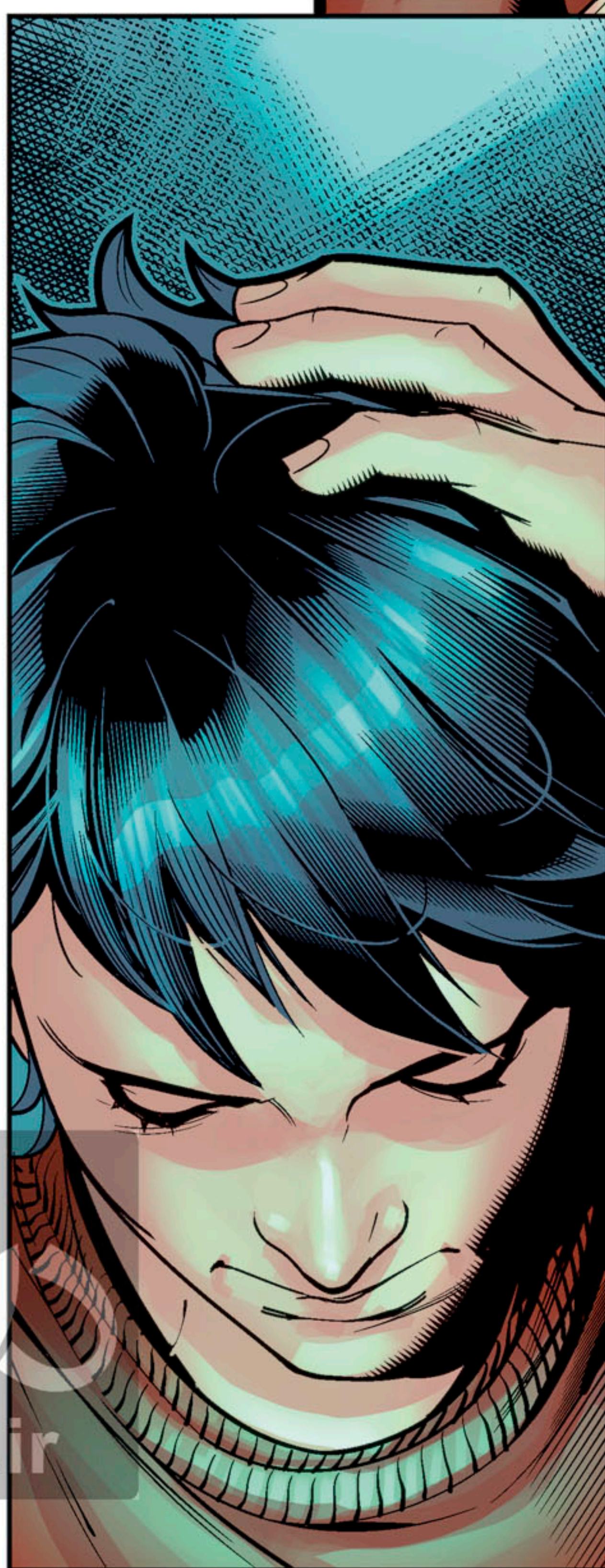
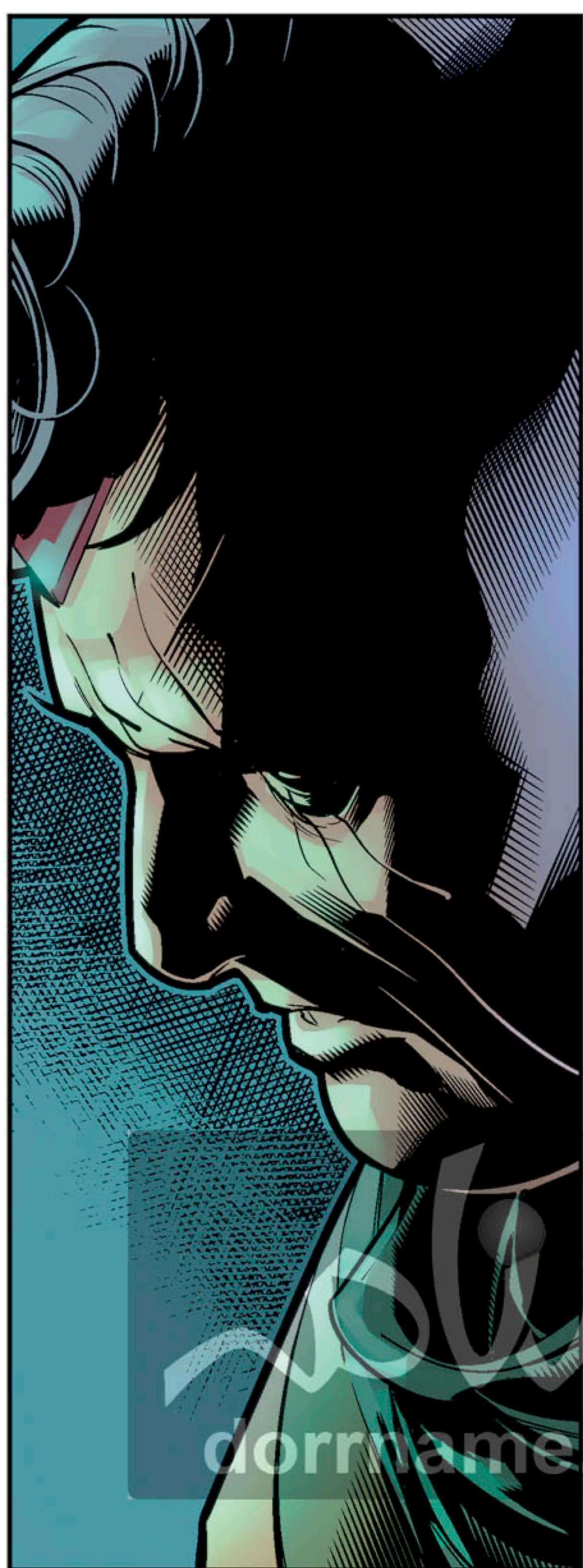
...من قبول
کردم.



مسافرت مجانی
به فضا با پدر بزرگی
که نمی شناسمش.

تا حالا کاری
نگردم.

برای گذروندن
وقت تو تابستون
بد نیست.



چون نمی دونم اینجا چطور
کار می کنند!

کدوم
بخش؟

همشون.
دنیا.

جهان هستی.

جایگاه من
تو این
دنیا؟

هیچکدوم
برام معنی
ندارند!

و پدرم...



...اون
بزرگترین.

ولی خیلی خیلی
بزرگه..

خیلیه... خیلی
از مردم قراره از من
توقع زیادی داشته باشند.
الانش هم توقع زیادی ازم
دارند، بخاطر اون.

و من
...

..و من
می خوام مثل
ولی باشم، ولی
...



...چرا؟

چرا؟!

فکر نمی کنم چیزی
از این مسائل رو
بتونم درک کنم!



الان فهمیدم...
اگه همه چیز دنیا طبق
روال عادی پیش می رفت
من و تو هرگز نباید با هم ملاقات
می کردیم.

من خیلی
وقت باید مرده باشم
ولی زنده ام.

و من یه
بچه نیمه کریپتانی
و نیمه متروپلیسی
هستم.

حتی نباید
وجود داشته باشم.



ما هر دو اینجا هستیم...
الان... تصادفی.

یه جورایی
غیرممکنه.

مشکل من
هم همینه...

مشکل؟ من
فکر می کردم که این
اتفاق تصادفی
شادیه.

من تمام عمرم
رو صرف کسب تمام
علوم کردم...



...ولی وجود من
اونو نفی می کنه.

همه
آزمایش هایی که
تا حالا انجام دادم
مخالف اون
هستند...

...تو...

...دیدن تو و
همه ماجراهایی که تا
حالا داشتیم تنها اینو ثابت
می کنه که خود علم...

...دیوونگیه.





اگه تمام
چیزی که جهان
داده، آشوب
باشه...

...تو به
همه مایی که تمام
عمرمون رو صرف بررسی
و ثبت اون کردیم
چی می گی...

...صرف
سازماندهی اون...

...و تلاش برای
درک اون...



به این فکر
می کنم که...
...هیچکدوم
از اینها
اصلا...



می بخشی.

تو یه مرد جوانی و من
در مورد چیزهایی دارم حرف
می زنم که ممکنه تو درکی
از اونها نداشته باشی...

همه چیزهایی که
گفتید، فهمیدم.

نکته ای که
می خوام بگم
اینه که جان جوان
تو دنبال جواب
سؤالهائی...

...منم دنبال
جوابم...

آوردمت
اینجا تا جواب ها
رو بهت نشون
بدم...

...ولی اگه نتونیم
جواب ها رو پیدا
کنیم...



...چون جوابی
وجود نداره؟

اگه هیچ
دستی وجود
نداشته باشه که
منو هدایت کنه
چی...؟

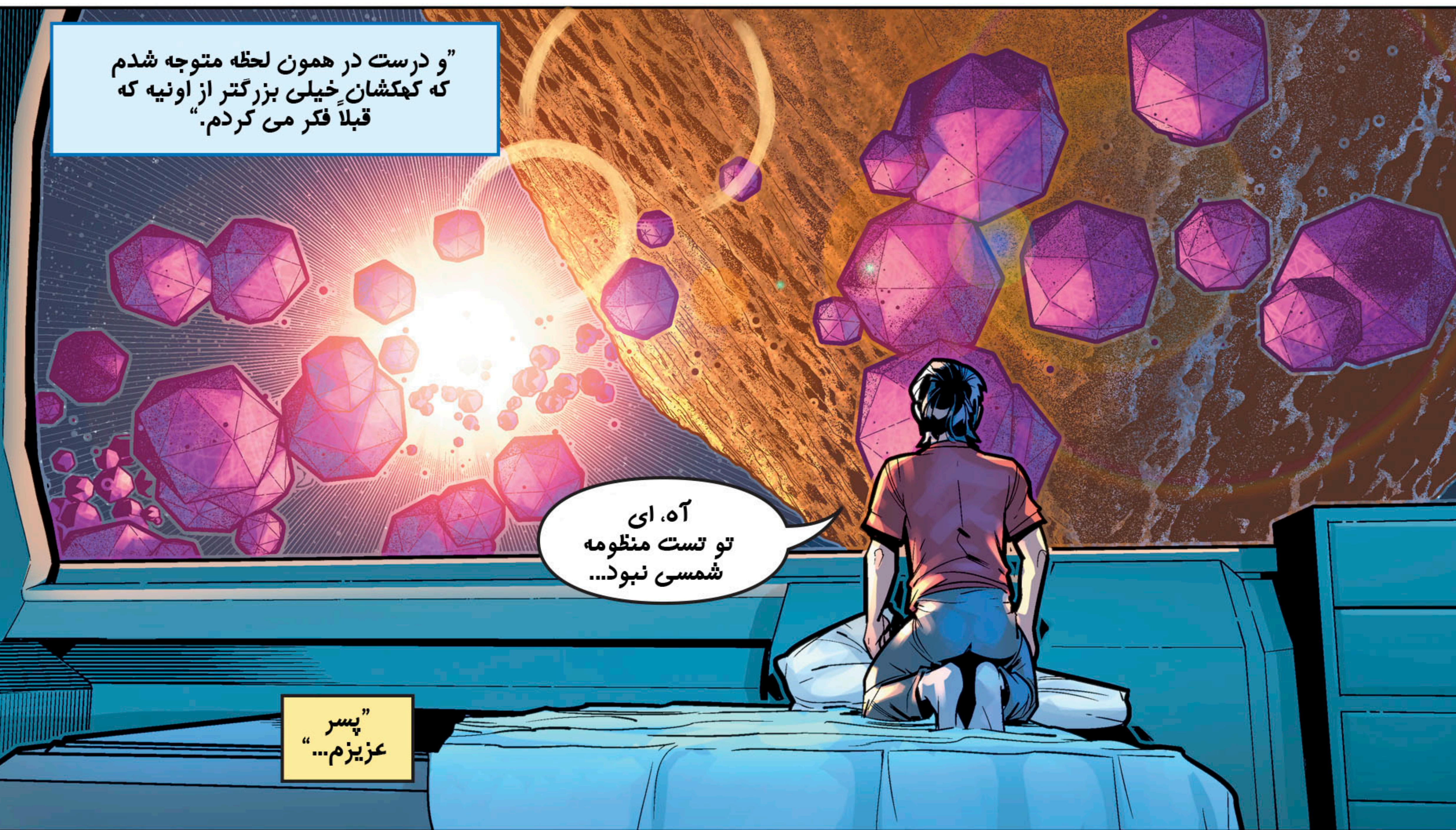


این چه حرفیه که به یه پسر یازده ساله می زنه؟

”همون لحظه تصمیم گرفتم که سفینه پدر بزرگ رو ترک کنم و راه خودم به زمین رو پیدا کنم.“



”چون، با همون حرف، وضعیت از تعطیلات عالی با پدر بزرگ به وضعیت اه با یه پیرمرد دیوونه اینجا گیر افتادم تغییر کرد.“



”و درست در همون لحظه متوجه شدم که کهکشان خیلی بزرگتر از اونیه که قبلاً فکر می کردم.“

آه، ای تو تست منظومه شمسی نبود...

”پسر عزیزم...“



کهکشان خیلی بزرگه مامان.

واقعاً خیلی بزرگه.

در تنهایی [مثلت برمودا].

نباید تو رو
تو اون سفینه تنها رها
می کردم.

بله
مادر.
نباید.

فرد مورد نظر
جانان کنت
شناسایی شد.
اسکن کل
آناتومی و فیزیولوژی.

ممنونم.
کلکس.

تو اینجا رو
انتخاب کردی!
درسته کلارک؟

فکر می کنی
انتخاب درست رو
پسرت داشتی...

هی
مامان!

جور-ال
از ما سو استفاده
کرده.

مامان!

کتابچه
راهنمایی وجود
نداره که نحوه
جداسازی...

مامان!



تو مسیر
برگشتم به اینجا
وقت اینو داشتم که در
مورد این فکر کنم که
چقدر تعجب
می کنی...

و راستشو
بخواهید اگه غش
کنید هم حق
دارید، ولی...

فقط می خوام
یادآوری کنم...
که من تونستم
برگردم.

شما منو
طوری تربیت
کردید که بتونم از
خودم مراقبت
کنم.

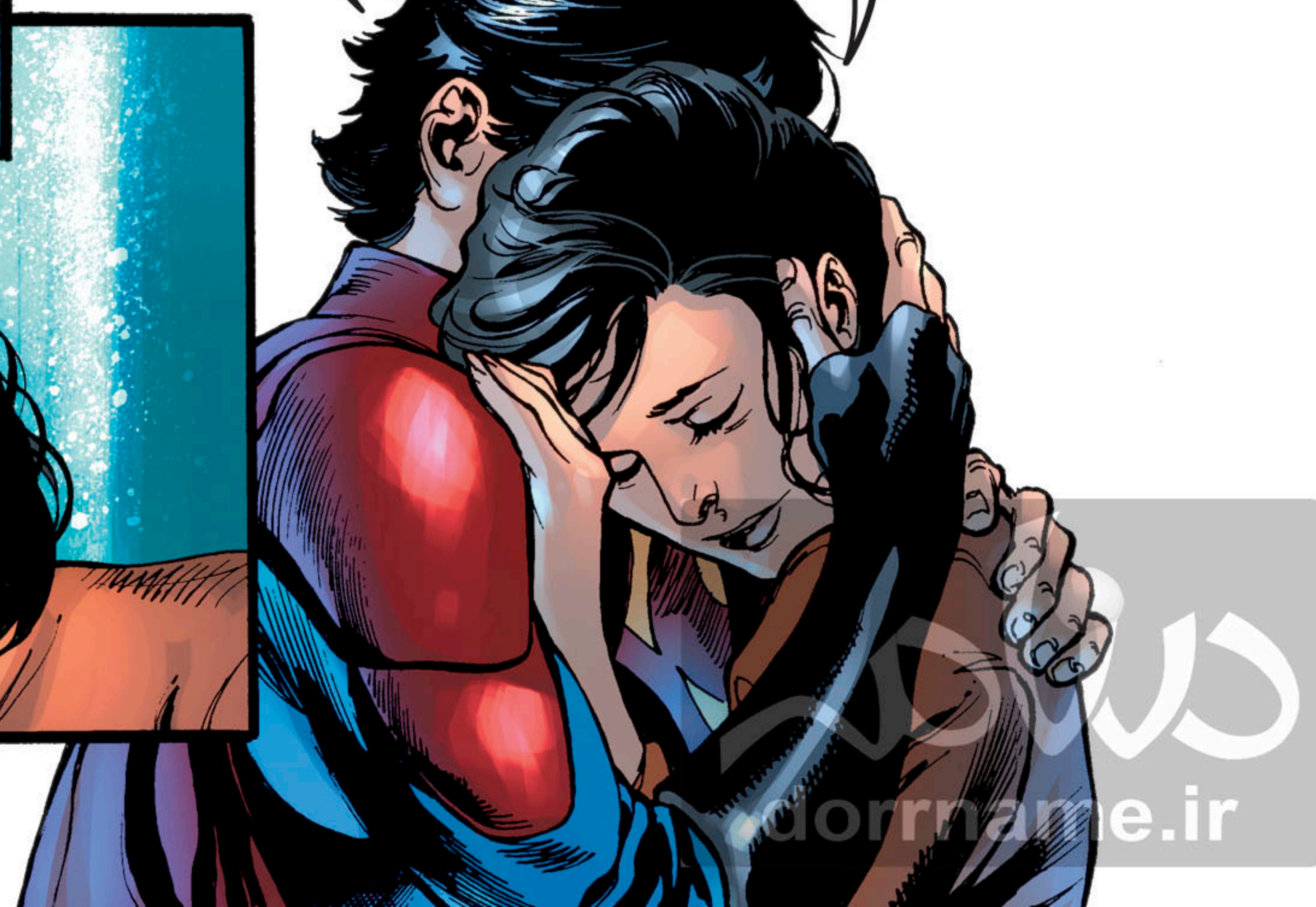
و...
من انجامش
دادم.

یه کم بیشتر از
چیزی که فکر می کردم
وقت گرفتم...

ولی...
من فهمیدم
و برگشتم
خونه.

من یه جورایی
به خودم افتخار می کنم
و فکر می کنم شما هم
باید بهم افتخار کنید.

درسته.
من بهت
افتخار
می کنم.

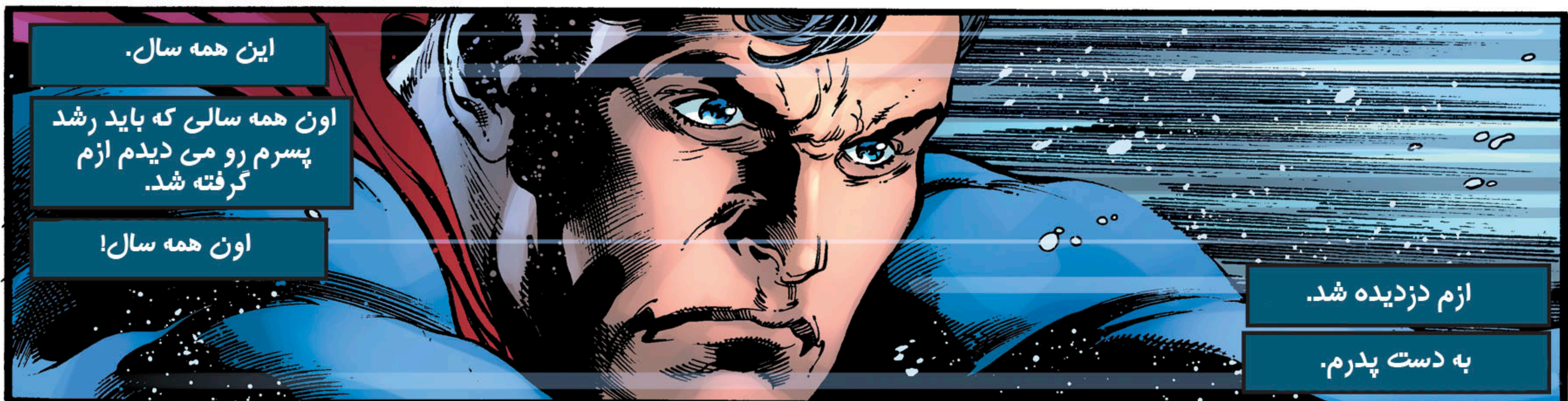
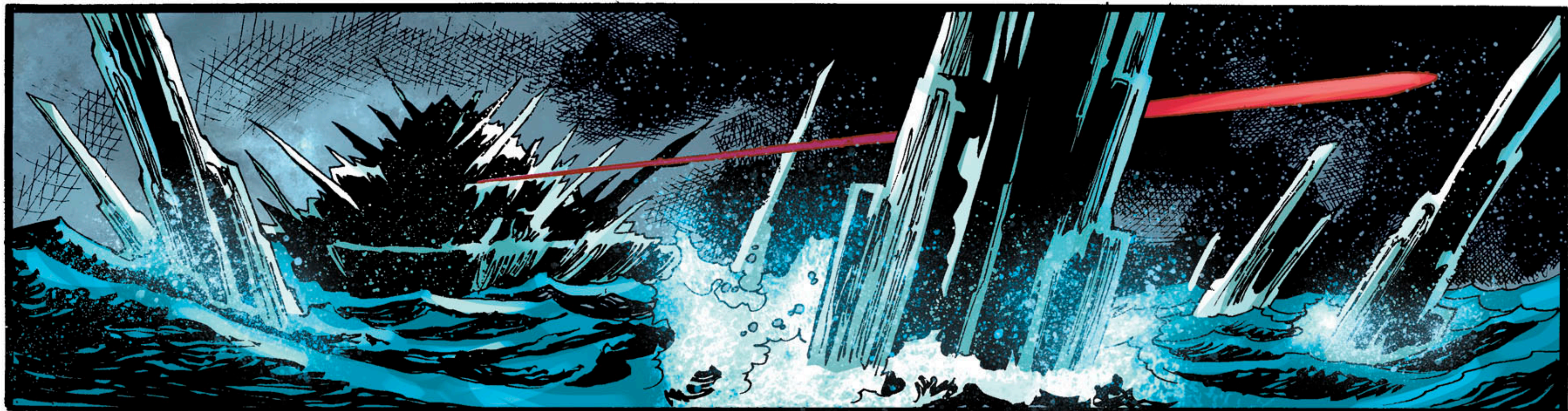


یه دقیقه.
برو.



اسکن ها
تقریباً تموم
شد جان.
الان
برمی گردم.

حتماً.



این همه سال.

اون همه سالی که باید رشد
پسرم رو می دیدم ازم
گرفته شد.

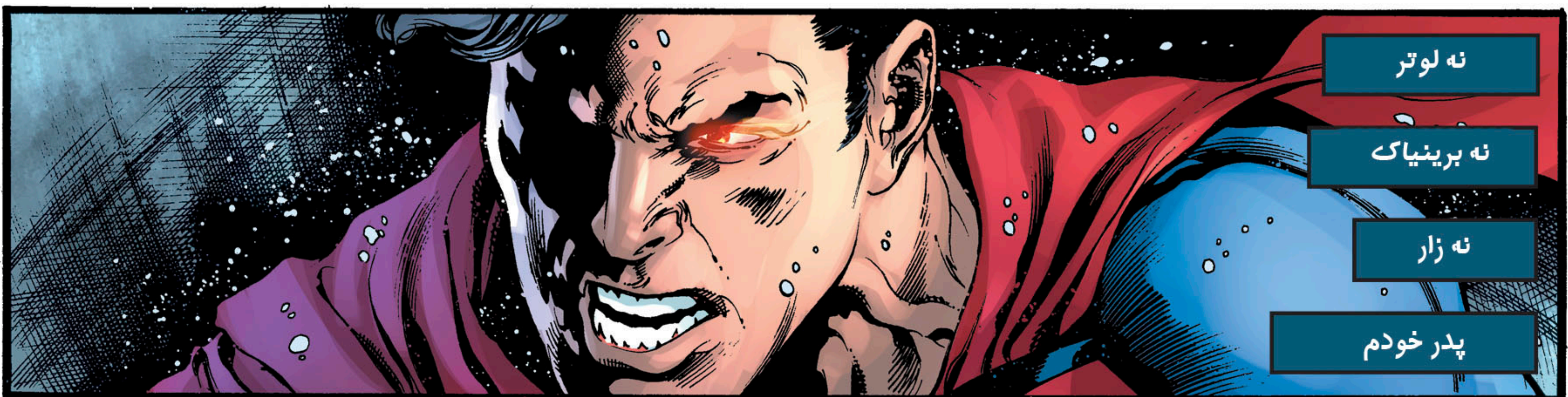
اون همه سال!

ازم دزدیده شد.

به دست پدرم.



پدرم باعث شد
من سوپرمن بشم.
ولی الان هرگز
نمی تونم بزرگ شدن
پسرم رو ببینم.



نه لوتر

نه برینیاک

نه زار

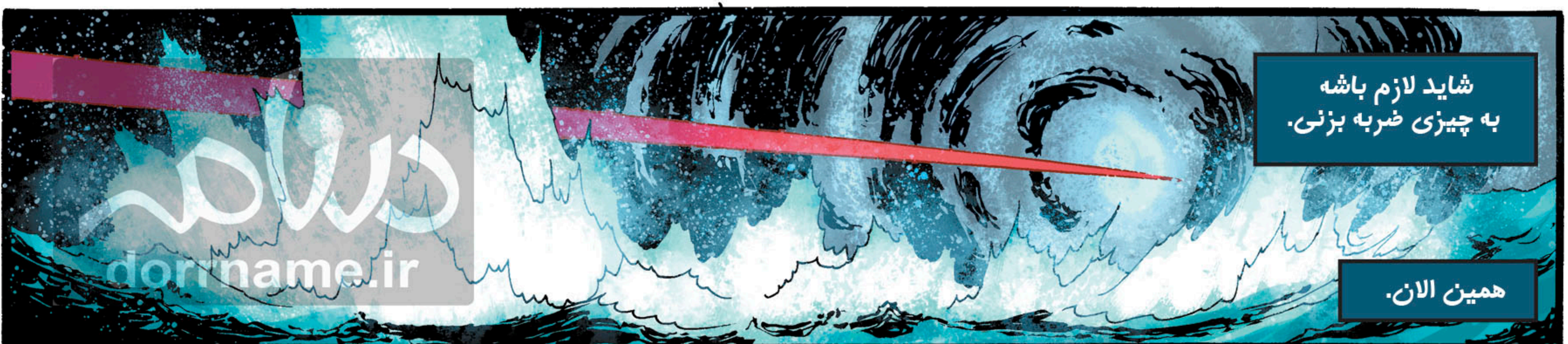
پدر خودم



بس کن!

به خدت قول
داده بودی این
کارو نکنی.

ولی...



شاید لازم باشه
به چیزی ضربه بزنی.

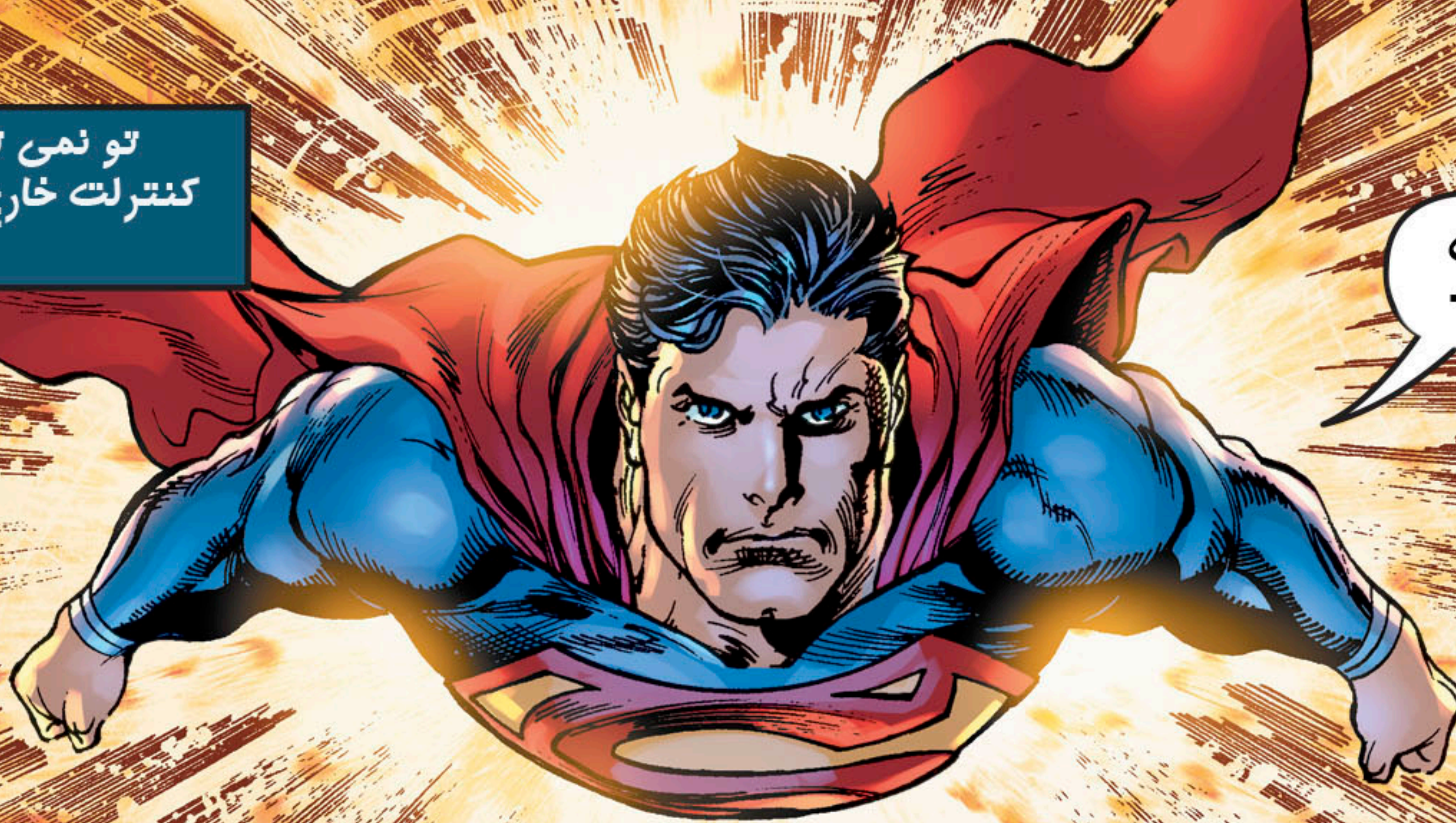
همین الان.

تو نمی تونی هر وقت که اوضاع از
کنترلت خارج شد پرواز کنی و به سنگ ها
ضربه بزنی.

یه پدیده ای
هست بنام
تأثیر پروانه ای.

تو به خودت
قول دادی که مثل
دام ها راه نیفتی
به سنگ ها ضربه
بزنی...

بس
کن.



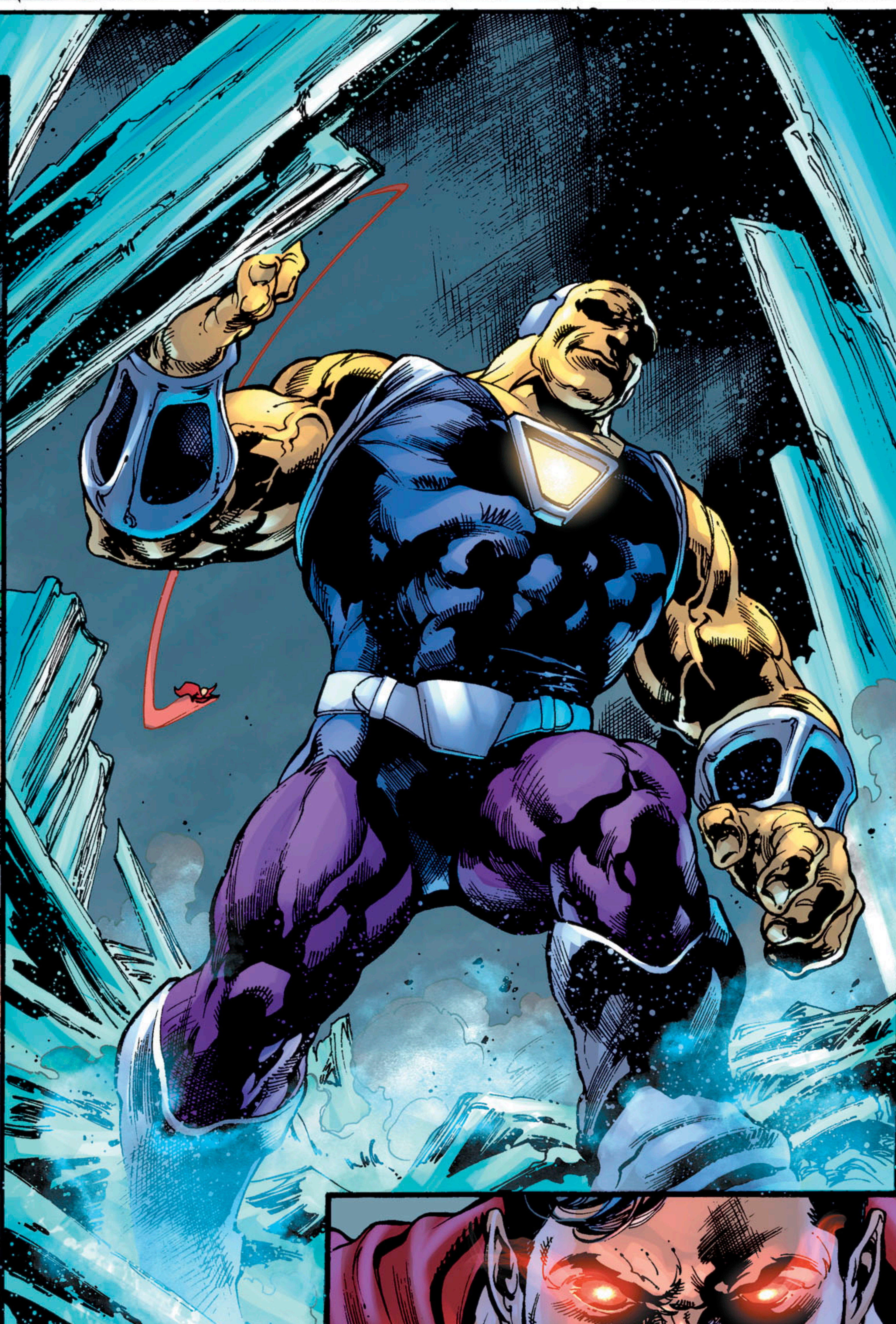
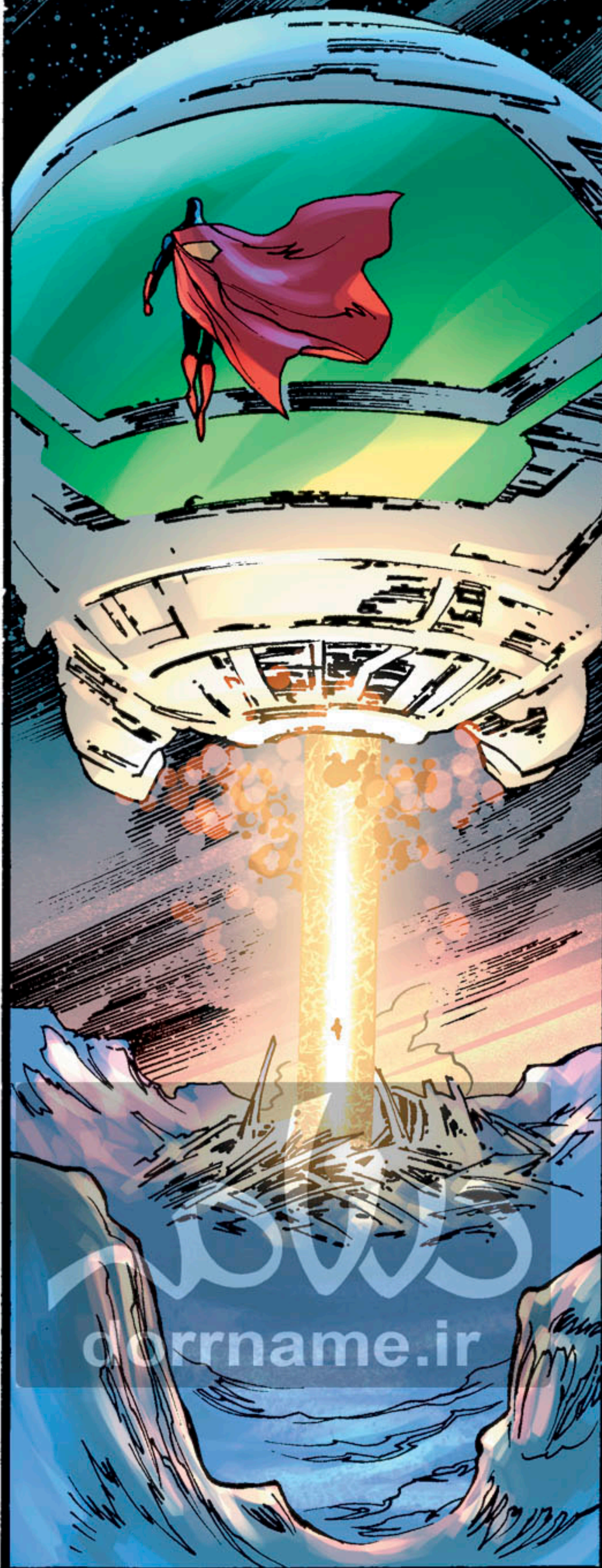
بسه...

اوه.

منظورم اینه
هر چیز مناسبی
که لازم باشه در موردش
این کار انجام
بشه.

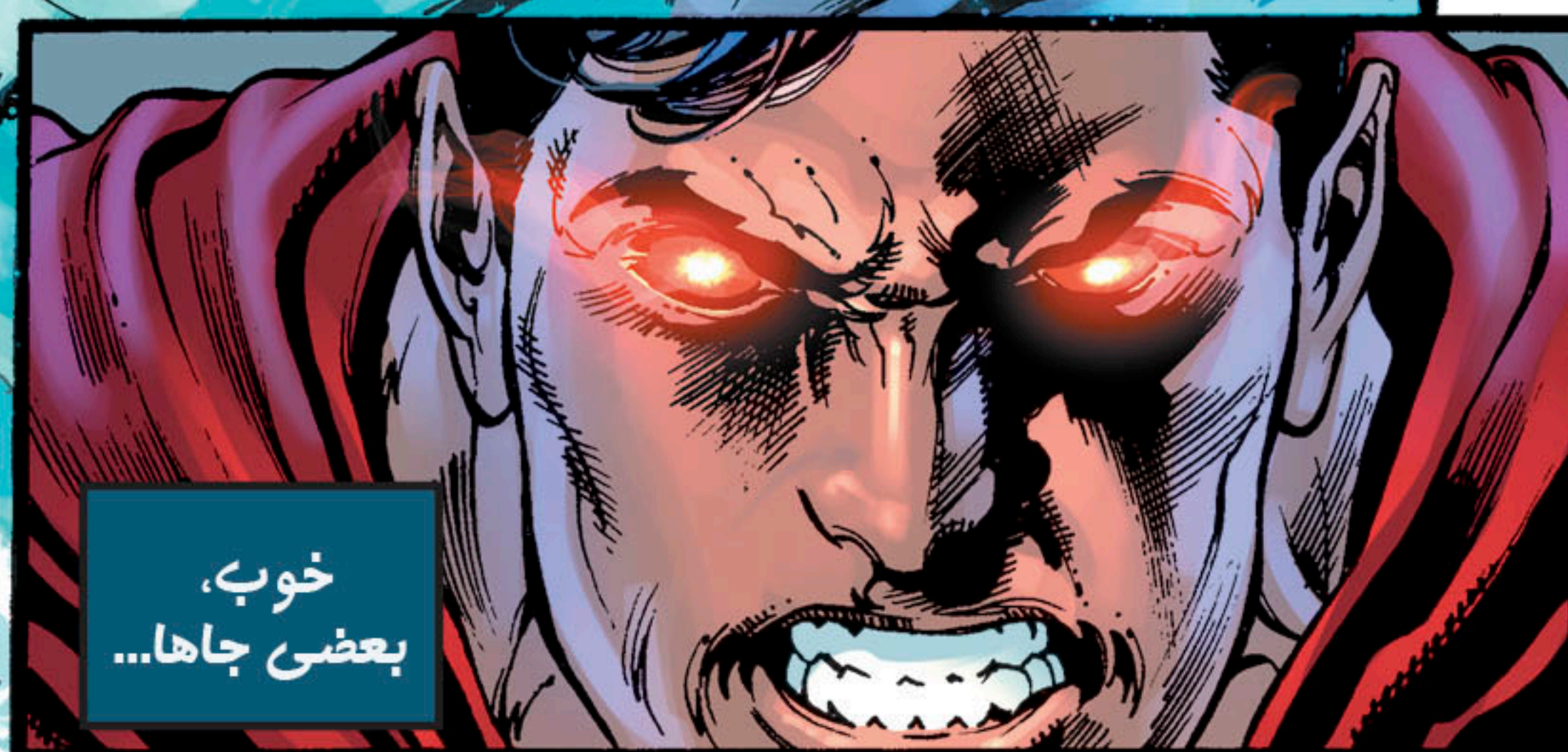


ولی وقتی مانگول
نابودکننده سیاره ها دم در
دژ تنهایی قدیم من تو قطب
شمال پیداش
می شه



شاید دنبال انتقامه یا
دردسر، یا هر دو...

خوب،
بعضی جاها...



...خیلی بی ادبیه
اگه همه دق دلیمو
سر اون خالی کنم.





اسکن کل
بدن کامل شد.

نمایش
داده های
سازگار...

آو، دلم
برای تو هم
تنگ شده بود
کلکس.



اینجا اوضاع
چطور داره پیش ی ره؟

می خواهیم
مطمئن بشیم پسر یازده
ساله استثنایی و سالم
مایه مرد جوون استثنایی
سالم هفده ساله است.

چیزی برای
ضربه زدن پیدا
کردی؟

مسخره
نکن.

نمی کنم.

می پرسم
ببینم برای منم
چیزی آوردی که بهش
ضربه بزنم؟

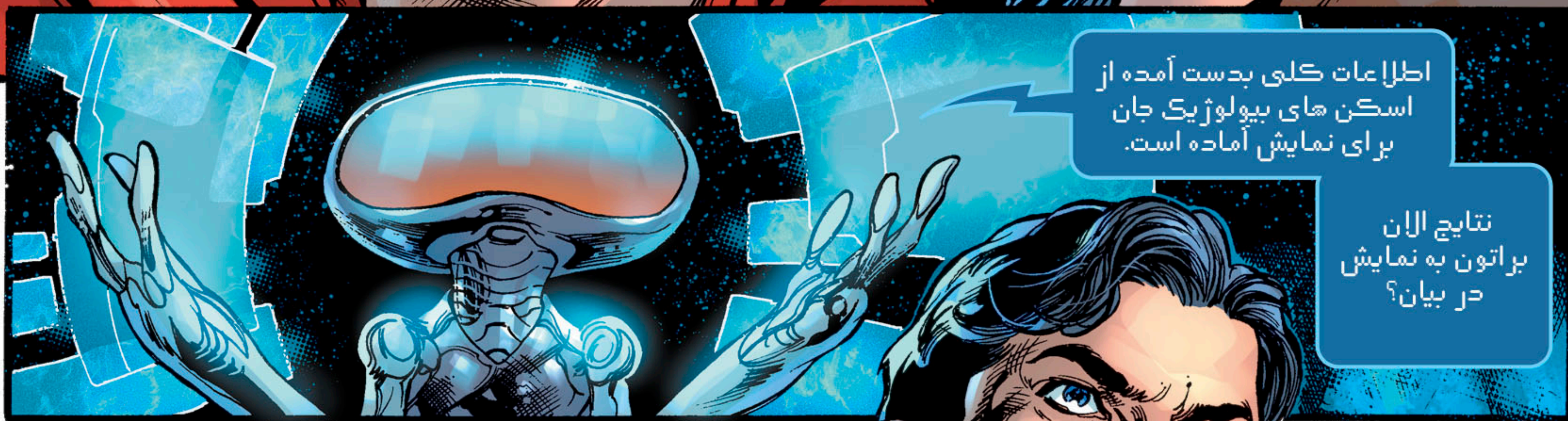


مانگول.

خوبه.

چیزی هست
که بشه تو روزنامه ازش
استفاده کرد؟

راستش
نه.



اطلاعات کلی بدست آمده از
اسکن های بیولوژیک جان
برای نمایش آماده است.

نتایج الان
براتون به نمایش
در بیان؟

بله
کلکس.



یه دفعه به
سرت زد؟ اونم الان
که قدرت این همه تکنولوژی
رو ایجاد کرده و احتمالا داره
ما رو می بینه؟

چیزی
نیست.

چون ما
یه تیم هستیم.



مورد
شناخته شده ای
دیدم نشد.

بختون
گفته بودم.

هیچ سرطان یا
آلودگی
تشعشعی؟

فکر کردید
سرطان دارم؟

سرطان
فضایی.

اسکن های مغز و
دی ان ای با نمونه های
قبله مطابقت صد در صدی
دارد.

این پسر
کریپتانی زمینی هفده
ساله بنام جاناتان کنته.

اوه،
حتما، سرطان
فضایی.

این چیزیه
که همه در موردش
حرف می زنند.

می دونی
که باید ازت تست
می گرفتیم،
رفیق.

این اسکن ها
رو قراره به دوستانمون
در تالار لیگ عدالت
بفرستیم...

...تا نظر اونها
رو هم بدونیم.

چرا وقتی
نوبت پدرم
می شه مغز من نمی تونه
تکه های واضح رو کنار
هم بچینه؟

خبر خوب
اینه که...اون
یه پسر ۱۵

زیادی
زوده؟

شاید.
می بخشی.

فکر می کنم
"بحران وجودی" پدر بزرگ
فقط اول کاره.

پدر،
گوش بده، این
بخش بعدی...

...ازت
می خوام هر
اتفاقی که در کنار
پدر بزرگ براتون افتاد
برام توضیح بدی.

همه چیزو.

موضوع
همینه پدر...





...پرت کردن حواسمون
کار آسونی بود.

"همیشه یه مأموریت
وجود داشت.

"همیشه چیزی بود
که باید باید حلش
می کردیم.

"کجکشان جای
به هم
ریخته ایه.

"من فکر می کردم که
کجکشان مثل فضاهای
خالی بین چیزهای مختلفه."

"ولی اصلاً اینجوری
نیست.

"اونجا مثل
زمین نیست.

"همه از همه چیز ناراضی اند
و هیچکس به حرف کسی
گوش نمی ده.

"درگیری ها
بالا گرفته.

"پدر بزرگ هم مثل تو همیشه
عادت داشت وارد کورد بشه و
میانجیگری کنه تا مسائل حل
بشن ولی...

"...هیچوقت نتیجه
نمی داد.

"حتی یک بار.

"هرگز."



کس دیگه ای
گرسنه نیست؟

”داشتیم کار
درست انجام
می دادیم.

”همیشه کسانی بودند
که از ما درخواست
کمک کنند.

می تونستی بگه کی
آدم خوبه است و کی
آدم بده.

”چون پدرت اگرچه
عجیب بود، ولی همیشه
می دونست که طرفه کی
رو باید بگیره...”



سلام، ما
چند تا از فانوس های
سبز هستیم که عضو لشکر
فانوس های سبز
هستیم!

اینو
ببین، چند تا
گریپتانی دیگه که باز
گندی زدند که لنترن های
لشکر فانوس سبز باید
تمیزش کنند!

پسر سوپرمن!



بخت برنخوره، ولی اکه
خود سوپرمن بود بیشتر
حال می کردم.

خسته نباشی
سوپرمن جوان.

ممنونم
کیلواک.

اینورا
می مونی تا
این گند رو تمیز
کنی؟



بستگی داره،
غذا هست؟

سلام، من
جان هستم.

من آریسیا
هستم.

من فانوس
سبز بخش
هستم. ۲۸۱۵

ما تو بخش
۳۴۵-۳۴۲۳۴
هستیم؟



ما تو بخش ۲۸۱۵
هستیم؟

فکر کنم اینجا
بخش ۲۸۱۷
باشه.

به اندازه کافی
نزدیکه.

HEY, YOU'RE
A FRIEND OF MY
DAD'S, RIGHT?



اوه، من صدها بار به
پدرت مدیونم...

می تونید
منو به خونه ام برسونید؟

به زمین؟

چیز زیادی
درخواست کردم؟

من نمی دونم
کجا هستم یا چقدر
از زمین فاصله
دارم... ولی...

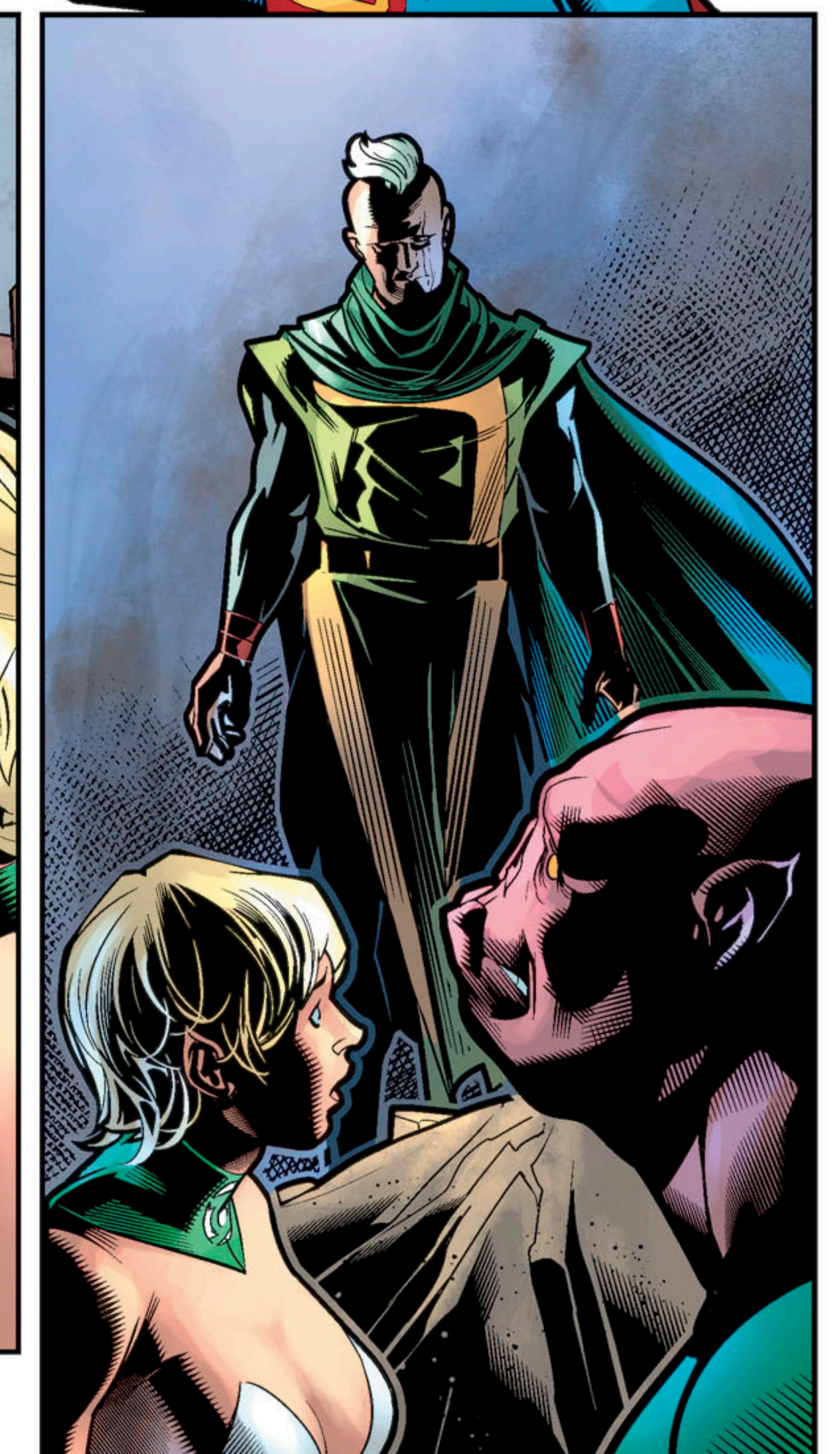
نه.

مادرم
می دونه اینجا.

فقط

تو دردسر
افتادی؟

...ما می تونیم
بهریمت خونه ولی
آیا این...





آمم...

...چرا شما مسائلتون رو حل نمی کنید؟

کارتون عالی بود قربان.

ما از طرفداران واقعی پسر شما هستیم.



از این بابت متأسفم. من فقط...

می برمت خونه.

نه.

نه.

مشکلی نیست.



"مطمئن نیستم که واقعاً یک سال گذشته باشه، چون کلاً حساب زمان زمینی رو از دست دادم..."

"...ولی من اسم اونو گذاشتم تابستونی که پدر بزرگ با من حرف نزد.

"اصلاً."



"کلی مطالعه کردم."

"مدام امواج رو کنترل می کردم تا اخبار زمین رو گوش کنم."



"ولی خیلی کم بود."

"انگار زمین و اخبارش زیاد برای کهکشان و ساکنانش مهم نبود."

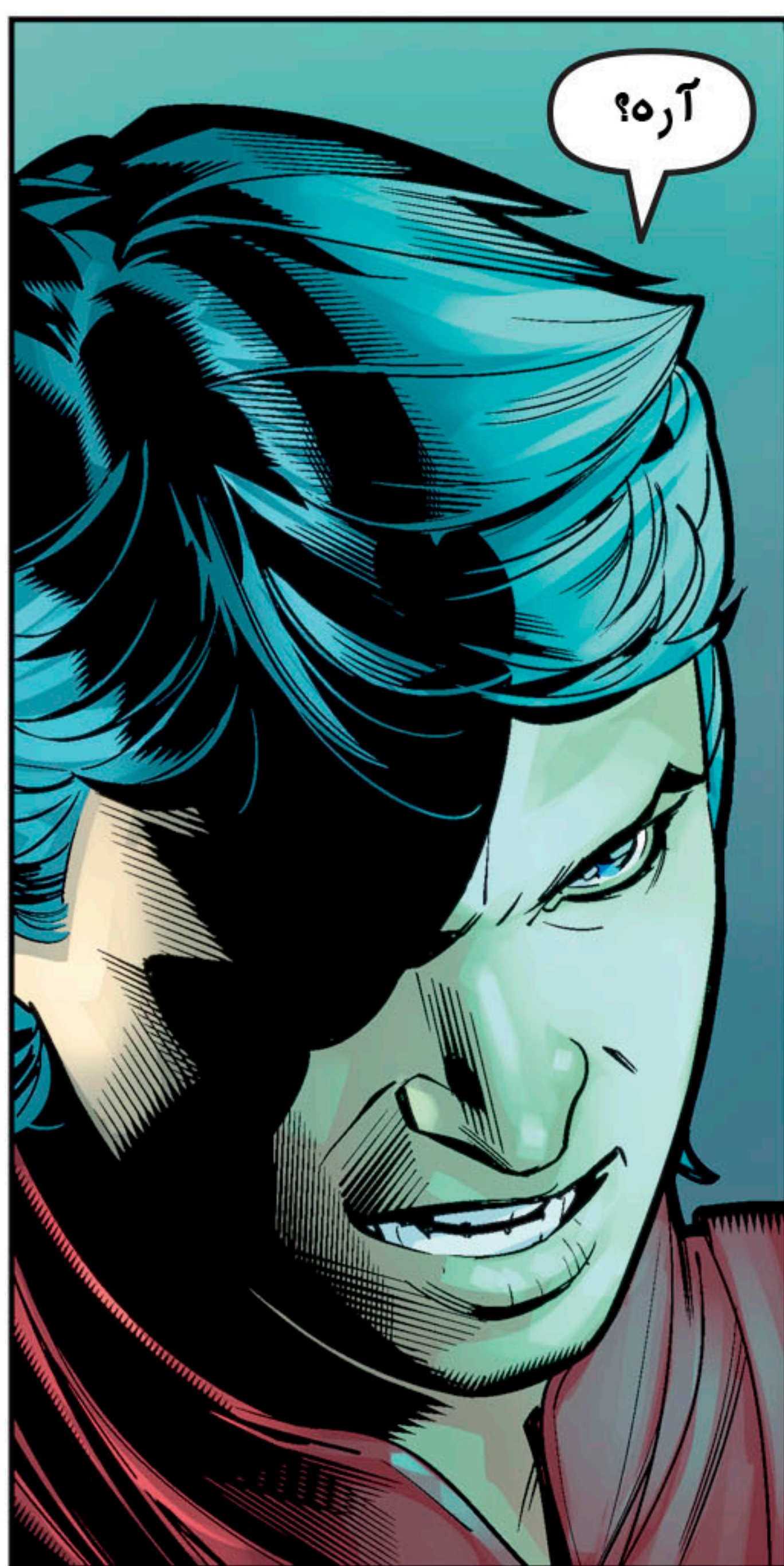


"هیچکس چیزی در مورد زمین نمی دونه و اگه کسی چیزی بدونه توپی پدر."



آره؟

متأسفم.



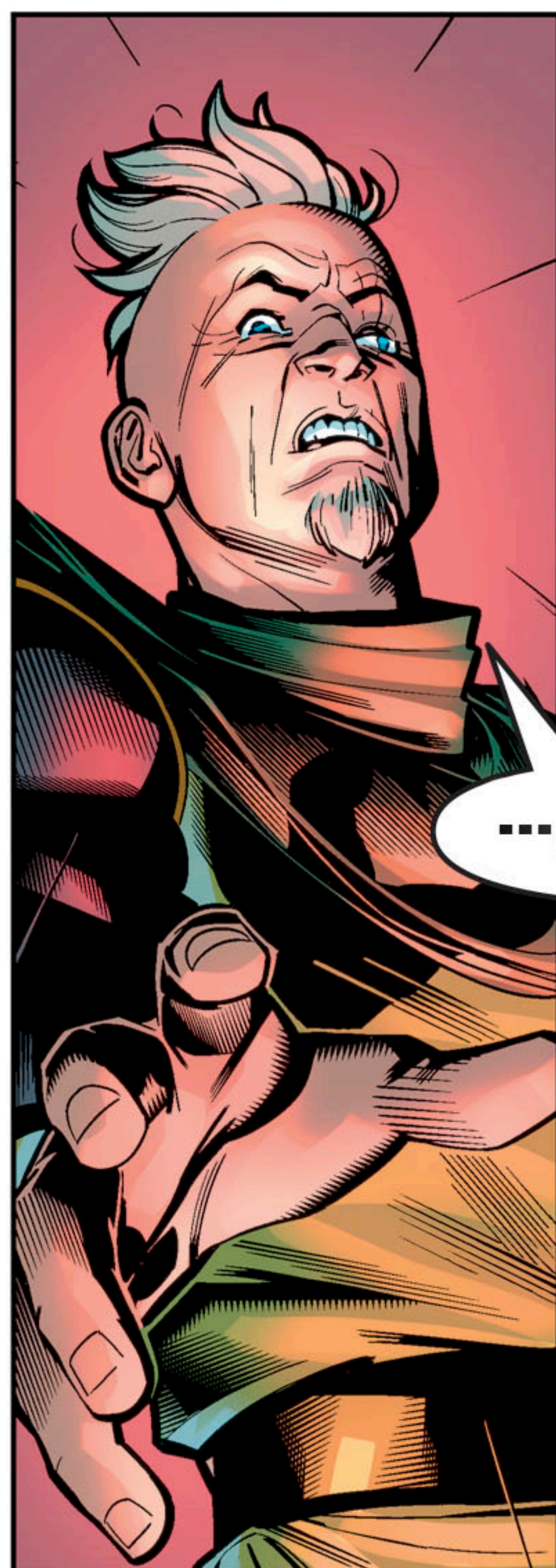
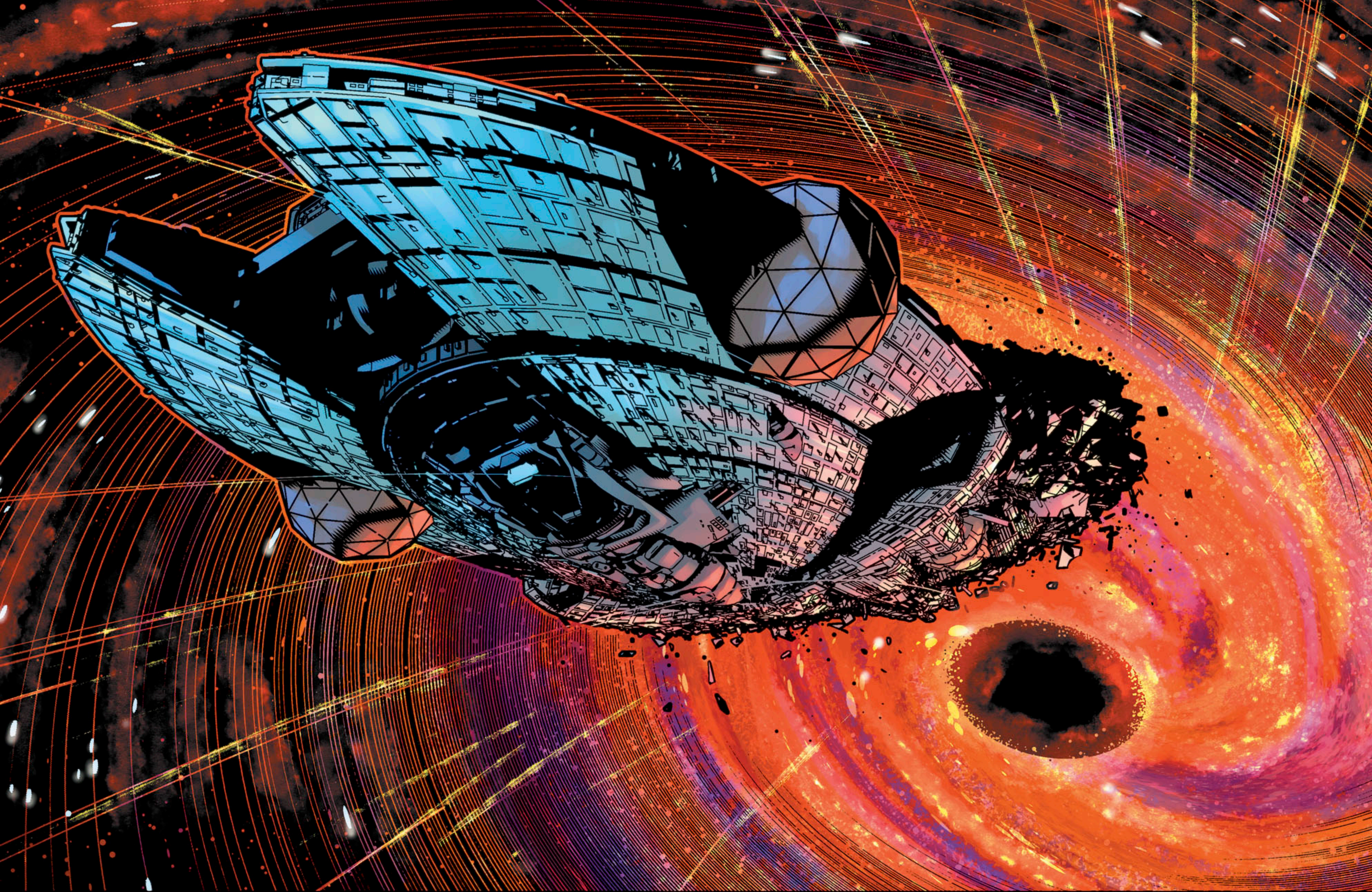
می دونی چیه؟

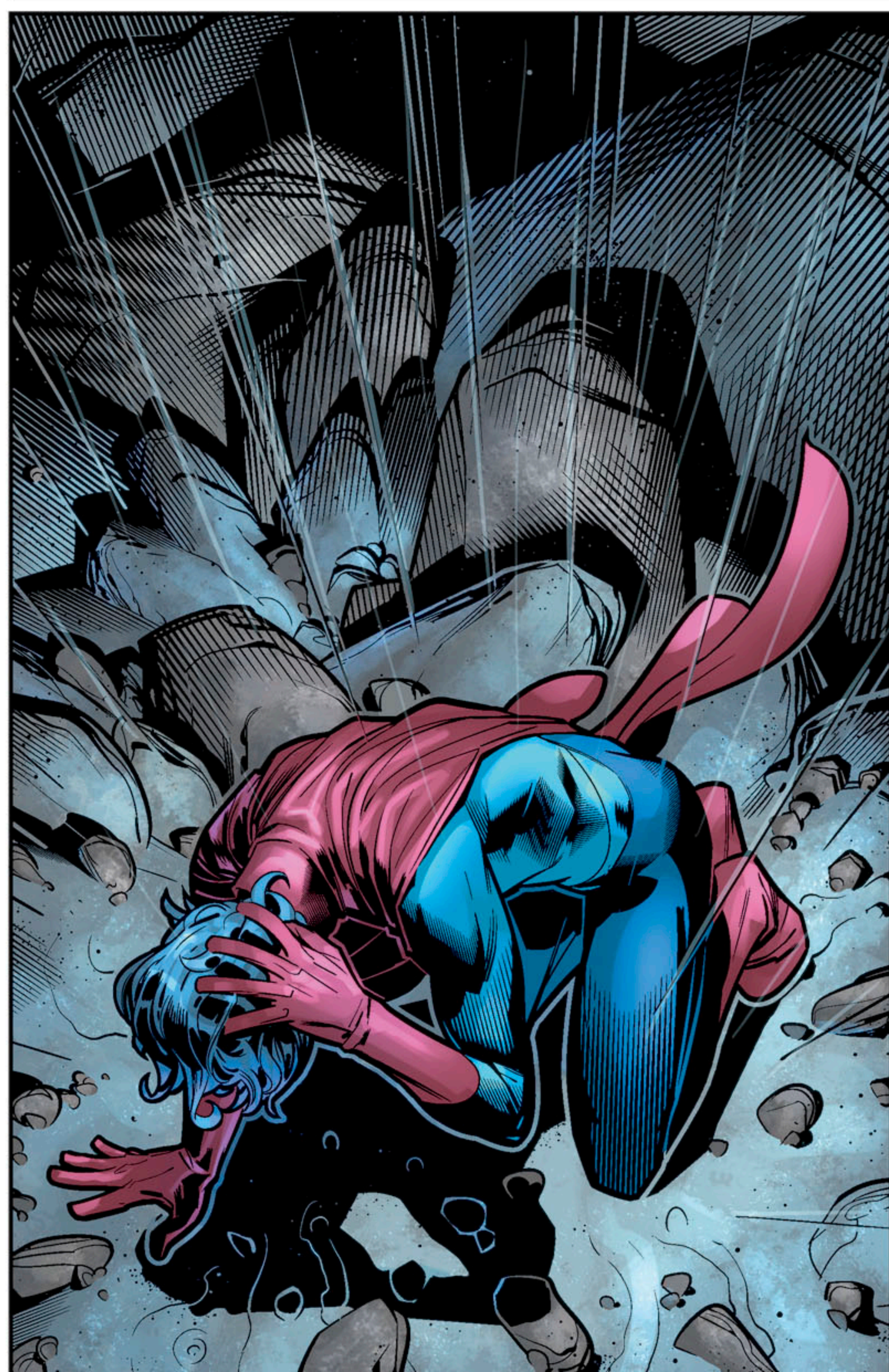
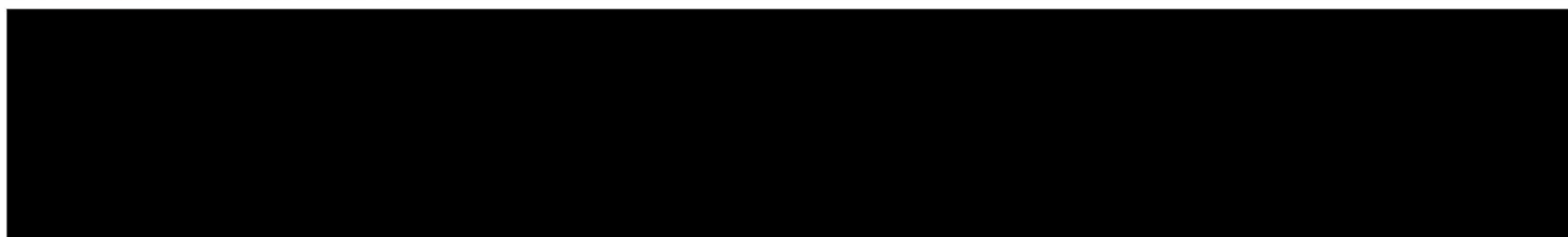
من متأسفم.

تو منو آوردی اینجا که درس واقعی به من ...



BEFFFFFFFFFFFFFFFF





”باشه پدر...“



”...سعی می کنم همونطور که
اتفاق افتاد براتون تعریف کنم...
اتفاقی که بعدش افتاد...“



...اتفاقی که بعدش
افتاد تقصیر شما نبود.

DC COMICS PROUDLY PRESENTS

the **SUPERMAN**

UNITY SAGA: the HOUSE OF EL pt 2

BRIAN MICHAEL BENDIS **script**
IVAN REIS (pp 05-13) **pencils**
BRANDON PETERSON (pp 01-05, 14-23) **art**
JOE PRADO (pp 05-13) **inks** • ALEX SINCLAIR **colors** • JOSH REED **letters**
REIS, PRADO, SINCLAIR **cover** • ROB LIEFELD **variant cover**
JESSICA CHEN **associate editor** • MIKE COTTON **editor**
BRIAN CUNNINGHAM **group editor**
SUPERMAN created by JERRY SIEGEL and JOE SHUSTER.
By special arrangement with the Jerry Siegel family.

قسمت بعد: جان کنت در برابر
سندیکای تبهکاران زمین ۳!



SUPERMAN

3

DAVE & TERRY
BUTCHER'S COMICS

© 2013 DC COMICS. ALL RIGHTS RESERVED.



JON KENT
RETURNS!

BENDIS
REIS
PETERSON
PRADO
SINCLAIR



dorname.ir

کاری از: کیوان داوند